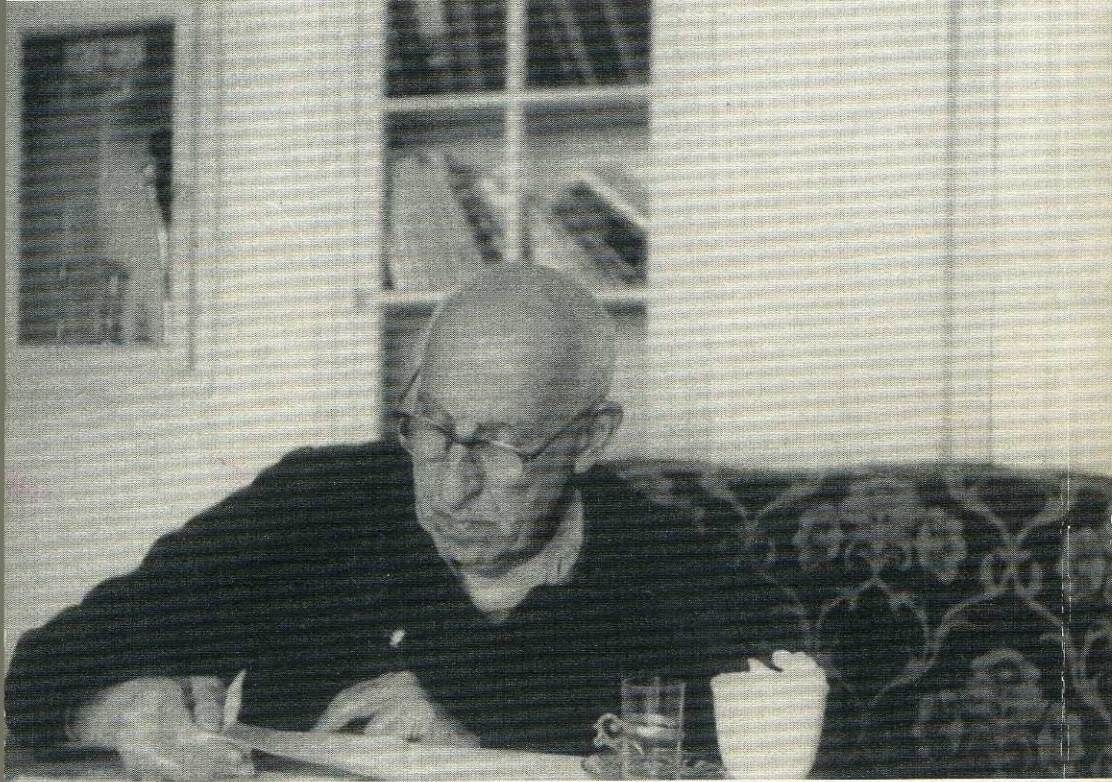


نبرد مصدق - رالم
۲۵.

۳

ویژه مصدق
یادواره پنجاهمین ملی شدن صنعت نفت
تشکیل دولت مصدق



آزادی

دوره دوم، شماره ۲۶ و ۲۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۰

نهر و مصدق

ژاله اصفهانی

دانشگاه دولتی مسکو به نام لومونوسف عنوان «کاخ دانش» گرفته بود. در تالار نوساز پر چلچراغ با گنجایش دو هزار نفر و دیوارهای پوشیده از ابریشم زرد رنگ هدیه چین، مهمانان اتحاد شوروی پیشین - دولتمردان، شاعران، موسیقی‌دانان و دیگر هنرمندان کشورهای شرق و غرب، غالباً با دانشجویان، پژوهشگران و استادان دانشگاه دیدارها داشتند: مائوتسه دون، تیتو، جمال عبدالناصر، سوکارنو، محمدرضا پهلوی همراه ثریا و نیز ناظم حکمت، پابلو نرودا، لویی آراگن و دیگران و دیگران و روزی هم جواهر لعل نهر و ایندیرا گاندی ...

سالن لبریز از شنوندگان شیفته. جواهر لعل نهر در جامه‌ی سفید رنگ ملی هندی، با چهره‌ی آرام و اندیشمند، با لبخند عارفانه‌ی مهربان، که در پس آن روح مقاوم و ستم ستیز او جلوه‌گر بود، از تاریخ گذشته هندوستان، از مبارزات استقلال‌جویانه‌ی مردم میهن خود، از مهاتما گاندی، سخن‌ها گفت و رفت و رفته رفته دامنه‌ی گفتارش به دیگر کشورهای شرق گسترده شد تا به نقش برجسته‌ی دکتر محمد مصدق رسید.

جواهر لعل نهر و گفت: ما در راه مبارزه برای استقلال و آزادی هند از دکتر محمد مصدق درس‌ها آموختیم.

ژاله‌ی جوان، که شاید آن روز تنها ایرانی حاضر در سالن بود، ناگاه احساس کرد شانه‌ها و سپس گردن‌اش بالا و بالاتر می‌رود، بال در می‌آورد و می‌خواهد پرواز کند. چه افتخار بزرگی است که انسان بتواند موجب هویت و سرافرازی ملت خویش باشد چنان که نهر و مصدق.

ژاله سپس شعری در باره هندوستان گفت که بخشی از آن چنین است:

جواهر لعل نهر و!

شما چون نغمه‌ی تاگور و اقبال

در آن ملک توانا جاودانید

مصدق هم هماهنگ شما بود

مصدق بیک آزادی ما بود...

این سروده به زبان‌های روسی و هندی ترجمه و در نشریات آن دو کشور چاپ شد.

آری. دکتر مصدق دوستدار حقیقی آزادی و استقلال ایران، دشمن سرسخت اسارت و استعمار بود. مصدق در محاصره‌ی غرب غدار بود. مصدق گرفتار یاران عهد شکن و دشمنان بسیار بود. مصدق گه گاه به تردید گرفتار بود، اما تا پایان به ایران و به آزادی وفادار بود. مصدق به من و شما و به آینده امیدوار بود.

لندن اول سپتامبر ۲۰۰۱

نهر و مصدق

نیمه‌ی دوم سال ۱۹۵۰ دانشگاه دولتی مسکو به نام لومونوسوف که عنوان 'گاخ علم' گرفته بود، در تالار نوساز پر چلچراغ با گنجایش دو هزار نفر و دیوارهای پوشیده از ابریشم زرد رنگ هدیه‌ی چین کمونیستی، مهمانان اتحاد شوروی پیشین - دولت مردان، شاعران، موسیقی دانان و دیگر هنرمندان کشور های شرق و غرب، غالباً با دانش‌جویان، پژوهشگران و استادان دانشگاه دیدار ها داشتند: مائوتسه دون، تیتو، جمال عبدالناصر، سوکارنو، محمد رضا پهلوی همراه ثریا و نیز ناظم حکمت، پابلو نرودا، لوئی آراگن و دیگران و روزی هم جواهر لعل نهر و ایندیرا گاندی . . .

سالن لبریز از شنوندگان شیفته. جواهر لعل نهر و در جامه‌ی سفید رنگ ملی هندی، با چهره‌ی آرام و اندیشمند، با لبخند عارفانه‌ی مهربان، که در پس آن روح مقاوم و ستم ستیز او جلوه‌گر بود، از تاریخ گذشته‌ی هندوستان، از مبارزات استقلال جویانه‌ی مردم میهن خود، از مهاتما گاندی، سخن ها گفت و گفت و رفته رفته دامنه‌ی گفتارش به دیگر کشور های شرق گسترده شد تا به نقش برجسته‌ی دکتر محمد مصدق رسید.

جواهر لعل نهر و گفت: "ما در راه مبارزه برای استقلال و آزادی هند از دکتر محمد

مصدق درس ها آموختیم"

ژاله‌ی جوان، که شاید آن روز تنها ایرانی حاضر در سالن بود، ناگاه احساس کرد شانها و سپس گردنش بالا و بالا تر می‌رود، بال در می‌آورد و می‌خواهد پرواز کند. چه افتخار بزرگی است که انسان بتواند موجب هویت و سرافرازی ^{مردم} خویش باشد چنان که نهر و مصدق.

ژاله سپس شعری در باره‌ی هندوستان گفت که بخشی از آن چنین است:

جواهر لعل نهر و! شما پاینده در هندوستان‌اید

شما چون نغمه‌ی تاگور و اقبال در آن مَلک توانا جاودانید

مصدق هم هماهنگ شما بود مصدق بیک آزادی ما بود . . .

این سروده به زبان های روسی و هندی ترجمه و در نشریات آن دو کشور چاپ شد. آری. دکتر مصدق دوستدار حقیقی آزادی و استقلال ایران، دشمن سرسخت اسارت و استعمار بود. مصدق در محاصره‌ی غرب غدار بود. مصدق گرفتار یاران عهد شکن و دشمنان بسیار بود. مصدق گه گاه در ^{بازار} ^{مبارزه} ^{تأیید} ^{نهاد} بود، اما تا پایان به ایران و به آزادی وفادار بود. مصدق به من و شما، به آینده امیدوار بود . . .

ژاله اصفهانی لندن - اول سپتامبر ۲۰۰۱

ژاله

